

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

نویسنده: تی پری میسان - par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۰۵ دسمبر ۲۰۱۴

ایالات متحده، امپراتوری بربریت

راز گوانتانامو

پیشگفتار :

اخیراً تی پری میسان در وقایع نگاری مؤرخه ۲۴ نومبر ۲۰۱۴ تحت عنوان «چه کسانی و چگونه جهاد طلبان را شست و شوی مغزی می دهند؟» (۱) به پیش زمینه جذب داوطلبان تروریسم در سطح جهانی در ۱۳ سال گذشته اشاراتی داشت که برای من به کشف تعدادی مقاله قدیمی پیرامون همین موضوع به نوشته او و تحلیل گران دیگر در شبکه ولتر منتهی شد. در اینجا بر آن هستم تا تعدادی از مقالات قدیمی در رابطه با موضوع تروریسم و شست و شوی مغزی ... را از آرشیو شبکه ولتر ترجمه و منتشر کنم.

حمید محوی/پاریس

فکر می کنید از وقایع گوانتانامو مطلع هستید و تعجب می کنید که چرا رئیس جمهور اوباما نمی تواند این شکنجه گاه را تعطیل کند. ولی در اشتباه هستید. زیرا نمی دانید تا چه اندازه این ساخت و سازها جزء ضروریات دولت کنونی ایالات متحده است. اگر فکر می کنید که ما با ایالات متحده به ارزش های مشترکی پای بند هستیم و به همین دلیل باید با این کشور متحد باشیم، از خواندن این مقاله خود داری کنید.

شبکه بین المللی ولتر/ مسکو (روسیه)/ ۲۸ اکتوبر ۲۰۰۹



زندانی در خروج از یک جلسه آماده سازی در گوانتانامو

همه این عکس های شکنجه را که در اینترنت منتشر شده دیده اند و به خاطر می آورند. این عکس ها به عنوان جام پیروزی از سوی چند سرباز امریکائی به نمایش گذاشته شد. با این وجود، رسانه های بزرگ به این علت که نمی توانستند به اصلیت آن اطمینان داشته باشند از انتشار آنها خود داری کردند.

در سال ۲۰۰۴، شبکه سی بی اس CBS گزارشی را به این موضوع اختصاص داد. انتشار این گزارش نقطه آغازی بود برای به جریان افتادن افشاءگری های گسترده در مورد بد رفتاری با عراقی ها. زندان ابوغریب نشان می داد که دعوای مرتبط به جنگ علیه دیکتاتوری صدام حسین، در واقع چیزی نبوده و نیست به جز جنگ اشغالگرانه با تمام پیامدها و کاروان اعمال جنایتکارانه. واشنگتن با خون سردی تمام اطمینان داد که این اعمال توسط چند نفر و خارج از فرماندهی صورت گرفته و آنها را « سیب گندیده در سبد» نامید. به همین مناسبت، چند سرباز بازداشت و مورد محاکمه قرار گرفتند تا درس عبرتی برای دیگران باشد. این پرونده تا افشاءگری های بعدی بسته شد.

همزمان سیا و پنتاگون برای آماده سازی افکار عمومی در زمینه تغییر ارزش های اخلاقی در ایالات متحده و کشورهای هم پیمان اقدام کردند. آژانس، یک مأمور رابطه با هالیوود را انتخاب کرد، سرهنگ چارز براندون Chase Brandon (پسر عمومی تومی لی جونز Tommy Lee Jones) و نویسندگان و فلمنامه نویس های مشهوری مانند تام کلانسی Tom Clancy را برای نوشتن فلمنامه های جدید و سریال های تلویزیونی به خدمت گرفت. هدف مهر اتهام زدن به فرهنگ اسلامی و در نتیجه عادی سازی شکنجه در مبارزه علیه تروریسم بود.

به عنوان مثال، ماجراهای جک برائر Jack Bauer در سریال ۲۴ ساعت که سخاوتمندانه از سوی آژانس اطلاعاتی بودجه دریافت می کرد و در هر فصل از فلم مرز قابل قبول (در مقبولیت سازی اعمال شکنجه) فراتر از همیشه به نمایش گذاشته می شد. در نخستین اپیزودها، قهرمان فلم افراد مظنون را برای ربودن اطلاعات تهدید می کند. در اپیزودهای بعدی، تمام شخصیت ها یکدیگر را با ملاحظات بیش از پیش کمتری مظنون می پندارند و شکنجه می کنند و بیش از پیش به اصل انجام وظیفه با اطمینان اتکاء می کنند. در تخیلات جمعی، قرن ها انسان گرائی کنار زده شد و بربریت جدیدی خود را تحمیل کرد. وقایع نگار واشنگتن پست، چارلز کروثامر Charles Krauthammer که در عین حال روانپزشک نیز می باشد استفاده از شکنجه را در دوران هرج و مرج جنگ علیه تروریسم به عنوان « جبر اخلاقی » معرفی کرد.

<https://www.youtube.com/watch?v=LdxV6G19R8o>

سپس تجسسات سناتور سوئیسی دیک مارتی Dick Marty در شورای اروپا تأیید کرد که سازمان سیا هزاران نفر از سرتاسر جهان را ربوده است که ده ها و حتی صدها تن از آنها در کشورهای اتحادیه اروپا به سر می برده اند. پس از این افشاءگری، سبلی از افشاءگری ها در مورد جنایاتی که در زندان های گوآتنامو (در کارائیب) و بگرام (در افغانستان) روی داده بود، آغاز شد. افکار عمومی در کشورهای عضو ناتو تعبیری را که رسانه های آتلانتیست مطرح می کرد پذیرفتند که البته به خوبی با موضوع فلم هائی که دیده بودند تطبیق می کرد: یعنی برای نجات جان بی گناهان، واشنگتن شیوه های مخفیانه به کار می برد: افراد مظنون را می ربود و به شیوه هائی که اخلاق انسانی آن را نفی می کند ولی کارائی آن را ضروری می دانست.

با چنین روایت ساده اندیشانه ای بود که بارک اوباما در اردوی انتخاباتی علیه دولت بوش موضع گیری کرد و بر این اساس، منع شکنجه و تعطیل کردن زندانی های سرّی به پرچم مبارزه انتخاباتی او تبدیل شد.

از تاریخ گزینش او، طی دوران انتقال، اوباما حقوقدانان مجربی را پیرامون خود بسیج کرد و به آنها مأموریت داد تا ستراتیژی مناسبی را برای خاتمه دادن به این دوران بربریت به کار ببندند. پس از استقرار در کاخ سفید نخستین فرامین

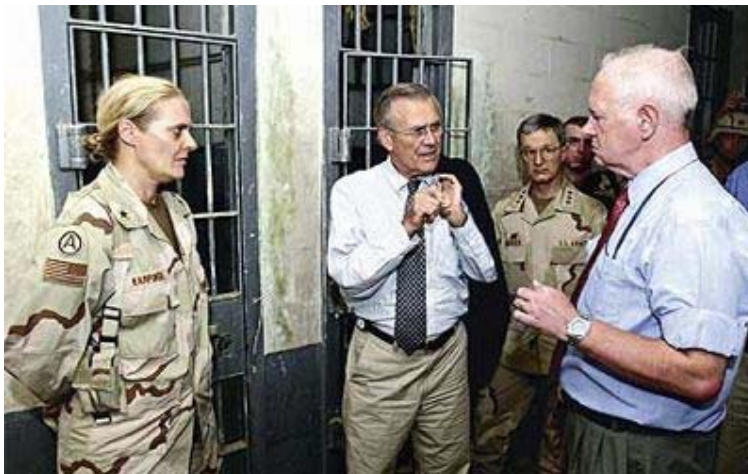
اجرائی او در ارتباط با همین موضوع بود. با فشاری روی این موضوع موجب تحت تأثیر قراردادن افکار عمومی بین المللی شد و محبوبیت رئیس جمهور جدید تصویر ایالات متحده را در جهان به شکل مثبتی متحول ساخت.

ولی یک سال پس از ریاست جمهوری بارک اوباما، اگر به پرونده چند صد مورد فردی رسیدگی شد، ولی در اصل و اساس قضیه هیچ تحولی روی نداد. گوانتانامو همچنان به فعالیت های خود ادامه می دهد و به طوری که انتظار می رفت فوراً تعطیل نشد. انجمن های دفاع از حقوق بشر در این مورد رسماً اعلام کردند که خشونت علیه زندانیان به شکل وخیمتری ادامه یافته است.

معاون رئیس جمهور جو بایدن Joe Biden در پاسخ به پرسش هایی که مطرح شده بود گفت که هر چه بیشتر در بررسی پرونده ها پیش می رود، به مسائل تازه ای برخورد می کند که تا کنون از آن بی اطلاع بوده است. سپس به شکل ابهام آمیزی، به رسانه ها هشدار داد که نباید جعبه پاندور را بازکنند. گرک کریگ Greg Craig مشاور حقوقی کاخ سفید به سهم خود تقاضای استعفاء کرد، نه به این علت که در پی شانه خالی کردن از مأموریت خود می باشد بلکه به این علت که او فکر می کند که اجرای مأموریت واگذار شده به او ممکن نیست.

پس چرا رئیس جمهور نمی تواند فرامین خود را به اجراء بگذارد ؟ اگر همه چیز در مورد جنایات دوران بوش گفته شده است، پس چرا از جعبه پاندور می گویند، پس موضوع چیست و از چه می ترسند ؟

واقعیت این است که، ساخت و سازهای گسترده ای در کار است و به چند آدم ربائی و یک زندان محدود نمی گردد. و به ویژه هدف نهائی آن متفاوت از آن چیزی است که سازمان سیا و پنتاگون تبلیغ می کردند. پیش از آن که پا در این عرصه جهنمی بگذاریم، باید در یک مورد رفع ابهام کنیم.



وزیر دفاع دونالد رامسفلد Donald Rumsfeld در گردهمایی های گروه ۶ شرکت کرد که مأمور انتخاب شکنجه های اعمال شده توسط نیروهای آمریکانی بود. در اینجا، اواز زندان ابو غریب در عراق بازدید می کند.

ضد شورش

آنچه توسط ارتش در ابو غریب انجام گرفته بود، دست کم در آغاز، به آنچه نیروی دریایی آمریکا در گوانتانامو و در دیگر زندان های سرّی به آزمایش گذاشته بود هیچ شباهتی نداشت. موضوع خیلی ساده بود، یعنی ارتش آمریکا کاری را انجام می داد که هر ارتش دیگری در جهان وقتی در برخورد با ملتی متخاصم قرار می گیرد انجام می دهد و به پولیس تبدیل می شود. در این حالت این ارتش با ایجاد وحشت بر مردم مسلط می شود. در موردی که مربوط به موضوع ما می شود، نیروهای متفقین همان جنایاتی را مرتکب شدند که فرانسوی ها در جنگ الجزائر علیه الجزائری هائی که هنوز آنها را «هم وطن» خطاب می کردند، مرتکب شدند.

پنتاگون جنرال بازنشسته فرانسوی پل اوسارس Paul Aussaresses کارشناس «ضد شورش» را فراخواند تا افسران ارشد را از چگونگی تجربیاتش مطلع سازد.

جنرال اوسارس در طول خدمتش همه جا ایالات متحده را در هر کجائی که جنگ چریکی در کار بوده همراهی کرده است، در آسیای شرقی و در امریکای لاتین.

در پایان جنگ جهانی دوم، ایالات متحده دو مرکز آموزشی برای این رشته ایجاد می کند، Political Warfare Cadres Academy (در تایوان) و School of Americas (در پاناما). کلاس های شکنجه برای مسئولان سرکوب در دیکتاتوری های آسیائی و امریکائی لاتین برگزار می شود. در سال های ۶۰-۷۰ این ساخت و ساز با اتحادیه جهانی ضد کمونیسم هماهنگ شد و رؤسای دولت های مربوطه در آن حضور داشتند (۱). همین سیاست طی عملیات (یا برنامه) فنیکس Phoenix در ویتنام ابعاد چشم گیری پیدا کرد (با کشتار ۸۰۰۰۰ فرد مظنون به فعالیت در گروه ویت کونگ ها) (۲) و در عملیات کوندور Condor در امریکای لاتین (با کشتار مخالفان سیاسی در سطح تمام قاره) (۳). طرح عملیات پاکسازی منطقه شورش در رابطه مفصلی با اسکادران های مرگ به شکل کاملاً مشابهی در عراق به اجراء گذاشته شد، به ویژه طی عملیات آبرون هامر Iron Hammer (چکش آهنی) (۴).

تنها پدیده تازه، پخش یک کتاب کلاسیک ادبیات استعماری به نام *The Arab Mind* روحیه عرب (روان شناسی فرهنگی عرب) اثر رافائل پته Raphael Patai مردم شناس یهودی مجارستانی، با پیشگفتار سرهنگ نورول بی. دو آتکین Norvell B. De Atkine مدیر مدرسه ویژه نظامی جان اف کندی، نام جدیدی برای مدرسه (نکبت بار) امریکا School of Americas از وقتی که به فورت براگ Fort Bragg در کارولینای شمالی نقل مکان کرده است (۵). این کتاب که با لحنی حکیمانه پیشداوری هائی به دور از حقیقت را در اشکال کلی درباره عرب ها مطرح می کند، فصل بسیار مشهوری دارد که به تابوهای جنسی نزد عرب ها اختصاص دارد و همین فصل از این کتاب بود که الهام بخش صحنه پردازی های زندان ابو غریب شد.

شکنجه در عراق به شکلی که دولت بوش جلوه می دهد، به هیچ عنوان یک مورد منزوی نیست، بلکه در قلب یک استراتژی ضد شورش جامع جای گرفته است. تنها راه برای پایان دادن به چنین وضعیتی، محکوم کردن آن از دیدگاه اخلاقی نیست، بلکه راه حل اصلی در عبور از این وضعیت سیاسی است. ولی بارک اوباما دائماً خروج نیروهای بیگانه در عراق را به آینده موکول می سازد.



نویسنده مشهور و پر فروش، مخترع روانشناسی مثبت گرا، استاد دانشگاه پنسیلوانیا و مدیر قدیمی انجمن روانشناسی امریکا، مارتین سلیگمن Martin Seligman در شکنجه های تجربی و آزمایشی روی زندانیان گوآتاتامو نقش ناظر را به عهده داشت. (گاهنامه هنر و مبارزه : مارتین سلیگمن در اعتراض به این مقاله نامه ای

فرستاده است که توسط شبکه ولتر به انضمام توضیحات تی بری میسان منتشر شده. این نامه را احتمالاً در فرصت های آینده در گاهنامه هنر و مبارزه منتشر خواهیم کرد).

آزمایش های تجربی پروفیسور بیدرمن Biderman

آلبرت دی. بیدرمن Albert D. Biderman روانپزشک نیروی هوایی آمریکا در چشم انداز کاملاً متفاوتی به حساب Rand Corporation (نوعی اتاق فکری برای اصلاحات سیاسی که مرکز آن در کالیفرنیا واقع شده) تحقیقاتی روی آماده سازی اسیران جنگی ایالات متحده در کوریای شمالی انجام داده است.

پیش از مائو و کمونیسم، چینی ها روش های ماهرانه ای برای در هم شکستن مقاومت زندانیان و اعتراف گیری از آنها ابداع کرده بودند. از همین روش ها در جنگ کوریا استفاده می کردند و به نتایجی نیز دست یافته بودند : زندانیان جنگی ایالات متحده با اعتقاد راسخ در مقابل روزنامه نگاران و رسانه ها به جنایاتی اعتراف می کردند که شاید هرگز مرتکب نشده بودند.

بیدرمن نخستین مشاهدات خود را طی گردهمائی سنا در ۱۹ جون ۱۹۵۶ مطرح کرد، و پس از آن، در سال بعد، در آکادمی پزشکی نیویورک (مدارک ضمیمه شده زیر را نگاه کنید. به زبان انگلیسی). او پنج مرحله را برای فرد زندانی شناسائی کرده است :

- ۱- نخست، زندانی از همکاری سرپیچی می کند و پشت حصاری از سکوت موضع می گیرد.
 - ۲- به واسطه آمیزه ای از خشونت و خوش رفتاری، می توانیم او را به مرحله دوم هدایت کنیم، یعنی مرحله ای که در مقابل اتهاماتی که به او وارد می سازیم در وضعیتی قرار بگیرد که بتواند از خودش دفاع کند.
 - ۳- سپس، زندانی شروع به همکاری می کند. البته او می تواند همچنان روی بی گناهی خود پافشاری کند، ولی برای پاسخگوئی و جلب رضایت بازجو می پذیرد که شاید نخواستسته و یا اتفاقی یا از روی بی توجهی مرتکب اشتباهی شده است.
 - ۴- وقتی از چهارمین مرحله عبور می کند، شخصیت زندانی از چشم خودش کاملاً افتاده و فرد بی ارزشی جلوه می کند. او در نفی اتهامات پافشاری می کند، ولی به سرشت جنایتکار بودن آن اعتراف می کند.
 - ۵- در پایان این فرآیند، زندانی می پذیرد که عامل اعمالی است که بدان متهم شده است. او حتی جزئیات تکمیل کننده ای را اختراع می کند و با پذیرش اتهامات خواستار مجازات خودش می شود.
- علاوه بر این بیدرمن تمام شگردهائی را که شکنجه گران چینی برای تسلط و به بازی گرفتن زندانیان به کار می بردند را مورد بررسی و آزمایش قرار داد : منزوی کردن، منحصر ساختن تمرکز روی یکی از ادراکات حسی، خستگی، تهدید، پاداش، نمایش قدرت زندانبان، تنزل کیفیت زیستی، اجبار انتسابی. در رابطه با فرد زندانی خشونت جسمی وجه ثانوی داشته ولی کاربست خشونت روانی همه جانبه و دائمی است.
- تحقیقات بیدرمن درباره «شست و شوی مغزی» ابعاد اسطوره ای به خود گرفت. نظامیان ایالات متحده بیم داشتند که دشمن بتواند سربازان آنها را در شرایط اسارت منحرف کند به شکلی که هر چیزی را اعتراف کنند و یا دست به هر کاری بزنند. در نتیجه برای خلبانان شکاری آموزش هائی را در نظر گرفتند که در وضعیت اسارت احتمالی بتوانند زیر شکنجه مقاومت کنند و تحت تأثیر شگردهای دشمن علیه خودشان دست به ارتکاب عمل نزنند. این دوره آموزشی SERE نامیده می شد، که کلید واژه فرازیستی، از بند گریختن، مقاومت، گریز (Resistance, Survival, Evasion) (Escape) است.



اگر در آغاز این آموزش تنها به مدرسه آمریکایی School of Americas منحصر بود، امروز به مدارس نظامی و گروه های نظامی دیگر نیز انتقال یافته و در چندین پایگاه آموزش داده می شود. علاوه بر این چنین آموزش هایی در تمام ارتش های عضو ناتو به شکل نهادینه رایج گردیده است.

پس از اشغال افغانستان، دولت بوش تصمیم گرفت که همین شگردها را برای اعتراف گیری از زندانیان به کار ببندند، یعنی ترفندی که بر اساس تجربه عینی می توانست دخالت افغانستان را در ماجرای ۱۱ سپتمبر به اثبات رساند و تبلیغات و تعبیر رسمی در مورد سوء قصد را تأیید کرده و بدان اعتبار قانونی ببخشد.

سلیگمن مرز واکنش شرطی ایوان پاولوف Ivan Pavlov را نشان داده است. سگی را در یک قفس محبوس می کنیم. کف قفس به دو بخش تقسیم شده، به شکل تناوبی کف یکی از این دو بخش را به جریان برق وصل می کنیم. در این صورت حیوان برای حفاظت از خودش به سمت دیگر می جهد — تا اینجا هیچ مورد خاصی دیده نمی شود و کاملاً عادی به نظر می رسد — سپس، جریان برق را به شکل سریعتری به کف قفس منتقل می کنیم و سرانجام جریان برق را به تمام قفس منتقل می کنیم. حیوان پی می برد که راه فراری ندارد و تلاش هایش بی هوده است. در نتیجه، از جنب و جوش صرف نظر می کند و در حالت نیمه بیهوشی روی کف قفس دراز می کشد، یعنی در حالتی که منفعلانه رنج و درد وارد شده را تحمل می کند. در این مرحله در قفس را باز می کنیم. و با شگفتی می بینیم که حیوان فرار نمی کند، بلکه در حالت روانی که بدان محکوم شده، دیگر یارای واکنش دیگری نداشته و در وضعیتی نیست که بتواند مخالفت کند. در حالت خوابیده باقی می ماند و درد می کشد.

نیروی دریائی یک تیم پزشکی شوک ایجاد کرد و به ویژه از پروفیسور سلیگمن برای رفتن به گوانتانامو دعوت به عمل آورد. این فردی که به روان درمانی اشتغال دارد در واقع یک ستاره شناخته شده است و آثار او در زمینه افسردگی نوروتیک شهرت خاصی دارد. آثار او در زمینه خوشبینی و اعتماد به نفس از پرفروش ترین ها در سطح جهانی بوده است. او در زندان گوانتانامو نقش ناظر را در آزمایش هایی داشت که روی زندانیان انجام می گرفت. برخی از زندانیان زیر شکنجه های بسیار سخت، خود به خود در حالت روانی خاصی قرار می گیرند که می توانند درد را تحمل کنند، ولی بی آن که تاب مقاومت داشته باشند. در چنین وضعیتی، با به کار بستن شگردهای خاصی روی فرد زندانی، می توانند او را فوراً به مرحله سوم در فرآیند پنج گانه بیدرمن هدایت کنند.

شکنجه گران ایالات متحده با اتکاء به تحقیقات بیدرمن و به هدایت پروفیسور سلیگمن، به انجام آزمون ها و ارتقاء فن آوری های سرکوب نائل آمده اند. آنها برای انجام چنین آزمایش هایی یک روش علمی نیز برای اندازه گیری ترشحات هرمونی به کار می بردند. برای این منظور در گوانتانامو یک آزمایشگاه پزشکی نیز مستقر کرده بودند. برای ارزیابی واکنش زندانیانی که تحت آزمون بیدرمنی بودند، آزمایش آب دهان و خون آنها در فواصل زمانی به شکل دائمی انجام

می گرفت. بر این اساس بود که شکنجه گران جنایات خود را به سطح مهارت بالایی ارتقاء دادند. به عنوان مثال، در برنامه SERE (فرازبستی، از بند گریختن، مقاومت، گریز) انحصاری سازی درک حسی با جلوگیری از خواب زندانی به وسیله پخش موسیقی یا صداهای بد خراش و التهاب آور. دژخیمان با پخش شیون و فریاد نوزاد تسکین ناپذیر طی روزهای متوالی و بی وقفه به نتایج برتری دست یافتند. علاوه بر این برای نمایش قدرت مطلق زندانبان فرد زندانی را به باد کتک می گرفتند. در گوانتانامو، یک نیروی واکنش سریع ایجاد کرده بودند. مأموریت این گروه تنبیه زندانبان بود. وقتی این یگان دست به عملیات می زد، اعضای آن لباس های زره داری که بی شباهت به روبوکوپ (Robocop) نیست به تن داشتند.

زندانی را از قفس (احتمالاً باید گفت قفس و نه سلول زندان) بیرون می کشند و به یک اتاقی که با تخته سه لائی پوشیده شده منتقل می کنند. شکنجه گران فرد زندانی را به دیوار اتاق پرتاب می کنند، گویی می خواهند او را در هم بشکنند، ولی تخته سه لائی به شکل جزئی ضربه ها را تخفیف می دهد و به شکلی که به حالت از خود بی خود بیفتد بی آن که استخوان هایش شکسته شود.

پیشرفت اصلی برای زجر خفگی در آب صورت گرفت. در گذشته، دژخیمان تفتیش عقاید مقدس سر زندانی را در وان فرو می بردند و تنها کمی پیش از این که دچار خفگی شود سرش را از آب بیرون می آوردند. احساس مرگ فوری افسردگی عظیمی نزد فرد ایجاد می کند. ولی این شگرد هنوز بدوی بود و حوادث نیز به شکل خیلی دائمی پیش می آمد. از این پس زندانی را در وان پر از آب فرو نمی برند، بلکه او را در وان خالی قرار می دهند، و سپس او را با ریختن آب روی سرش، با امکان توقف آبی، غرق می کنند. با این شگرد البته امکان بروز حوادث بسیار نازل خواهد بود. در هر جلسه با کد خاص خود مرز قابل تحمل را به ثبت می رساند. طی این نوع شکنجه، دستیاران دژخیم مقدار آب مصرف شده و زمان و طول مدت زجر را اندازه می گیرند. دستیاران حتی مایعاتی را که زندانی استقراغ می کند را جمع کرده و وزن می گیرند و سپس به تحلیل انرژی مصرف شده و خستگی ناشی از آن می پردازند. به این شکل بود که معاون سازمان سیا جلوی هیأت پارلمان به طور خلاصه توضیح می داد: «به آنچه در دوران تفتیش عقاید رایج بود هیچ شباهتی ندارد، به جز آب».

آزمایش های پزشکان ایالات متحده مانند دکتر جوزف منگل Josef Mengele در آشویتز به شکل سری انجام نگرفته بلکه زیر نظارت مستقیم و انحصاری کاخ سفید بوده است.

تمام پرونده به یک گروه تصمیم گیرنده مرکب از شش نفر تحویل داده شده: دیک چنی، کوندولیزا رایس، دونالد رامسفلد، کولین پاول، جان اشکرافت و جرج تنت که گفته است که در دوازده گردهمایی از این نوع شرکت داشته است. با این وجود نتایج این تجربیات آزمایشگاهی چندان قابل اطمینان نیست. افراد مورد آزمایش به ندرت حساسیت پذیر بوده اند. البته تحمیل اعترافات ممکن بوده ولی چنین حالتی نزد آنها بی ثبات باقی مانده و امکان بازتولید آن در محافل عمومی منتقدان نیست. مشهور ترین مورد خلیل شیخ محمد دروغین است. ماجرا چنین است که فردی را با ملیت کویتی در پاکستان به اتهام تعلق به گروه اسلامگرا بازداشت کرده بودند، گرچه این فرد شخص خلیل شیخ محمد نبوده. پس از عبور از شکنجه های طولانی و تحمل ۱۸۳ وان شبیه سازی غریق تنها طی یک ماه، ماه مارچ ۲۰۰۳، این فرد اعتراف کرد که خلیل شیخ محمد است و ۳۱ سوء قصد مختلف را در چهار گوشه جهان سازماندهی کرده است، از جمله عملیات تروریستی علیه مرکز تجارت جهانی World Trade Center در نیویورک به سال ۱۹۹۳، و بمب گذاری و تخریب یک کلوب شبانه در بالی Bali، و بریدن سر دانیل پرل Pearl Daniel روزنامه نگار، تا شرکت در سوء قصد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱.

شیخ محمد دروغین در مقابل هیأت نظامی اعترافاتش را حفظ کرده، ولی هنوز در مقابل وکلاء و قضات نظامی و به شکل عمومی مورد باز پرس قرار نگرفته زیرا بیم دارند که او خارج از قفسی که در آن محبوس می باشد بخواهد اعترافاتش را پس بگیرد.

برای مخفی نگاه داشتن فعالیت پزشکان در گوانتانامو، نیروی دریایی مسافرت تعدادی روزنامه نگار فرمایشی را تدارک دید. بین این روزنامه نگاران، مقاله نویس فرانسوی برنارد هانری لوی Bernard Henry Lévy داوطلبانه در نقش شاهد عادل با بازدید از آنچه به او نشان داده بودند، در کتاب *American Vertigo* (سرگیجه امریکائی) اطمینان می دهد که گوانتانامو با دیگر زندان های رایج در ایالات متحده هیچ تفاوتی ندارد، و بر اساس مشاهدات او خدمات عرضه شده حتی «پر منات تر نیز هست» (۶)



یکی از زندان های فرامرزی نیروی دریایی ایالات متحده. اینجا USS Ashland مخزن انبار مسطح برای دریافت قفس های زندان در چند طبقه آماده شده است.

زندان های فرامرزی نیروی دریایی

سرانجام، دولت بوش به این نتیجه رسید که افراد کمی وجود دارند که در شرایطی خاص تا جایی مشروط پذیر باشند که بتوانند به حضور و نقش فعال خودشان در سوء قصد ۱۱ سپتمبر اعتراف کنند. دولت بوش نتیجه گرفت که باید تعداد خیلی زیادی از زندانیان را تحت آزمون قرار داد تا گزینش مناسبی از بین مستعد ترین آنها امکان پذیر گردد.

به دلیل انتقاداتی که پیرامون گوانتانامو گسترش یافته و برای اجتناب از پی گرد قضائی، نیروی دریایی زندان های سرّی دیگری را در آبهای بین المللی یعنی در خارج از حوزه اقتدار قضائی ایجاد کرده است.

۱۷ کشتی با کف مسطح از انواع کشتی های که معمولاً برای پیاده کردن نیرو مورد استفاده می گیرد به زندان شناور تبدیل کرده اند. این زندان ها مشابه گوانتانامو هستند. سه فروند از این کشتی ها توسط انجمن بریتانیائی Reprieve شناسائی شده است : USS Ashland, USS Bataa, USS Peleliu.

اگر طی هشت سال گذشته تعداد افرادی را که در مناطق بحرانی به اسارت درآمده یا از هر نقطه از جهان ربوده شده و به این زندان ها منتقل شده اند را محاسبه کنیم، در مجموع رقمی خواهیم داشت معادل ۸۰۰۰۰ نفر که وارد این ساخت و سازها شده اند. دست کم هزار نفر از آنها به آخرین مراتب فرایند بیدرمنی کشانده شده اند.

در نتیجه مشکل دولت اوپاما به این موضوع خلاصه می شود که : تعطیل کردن گوانتانامو بی آن که رویدادهای آن افشاء گردد ممکن نیست. و بازشناسی رویدادهای آن نیز ممکن نمی باشد. برای دولت امریکا اعتراف به دروغ بودن

اعتراف گیری ها و این واقعیت که پرونده ها از زیر شکنجه بیرون آمده ممکن نیست و علاوه بر این پیامدهای سیاسی چنین مواردی برای دولت امریکا تحمل ناپذیر است.

در پایان جنگ جهانی دوم؛ دوازده دادگاه توسط دادگاه نظامی در نورنبرگ تشکیل شد. یکی از این دادگاه ها به محاکمه ۲۳ پزشک نازی اختصاص داشت. ۷ نفر تبرئه شدند، ۹ نفر به زندان محکوم شدند. و برای ۷ نفر از آنها حکم مرگ صادر شد. از آن تاریخ، کد اخلاقی در سطح بین المللی در زمینه پزشکی رعایت می شود. این کد یا موازین آنچه را که پزشکان ایالات متحده در گوانتانامو و در دیگر زندان های سری انجام داده اند ممنوع می داند.

Lire le [droit de réponse du professeur Martin Seligman](#).

[Thierry Meyssan](#)

Source

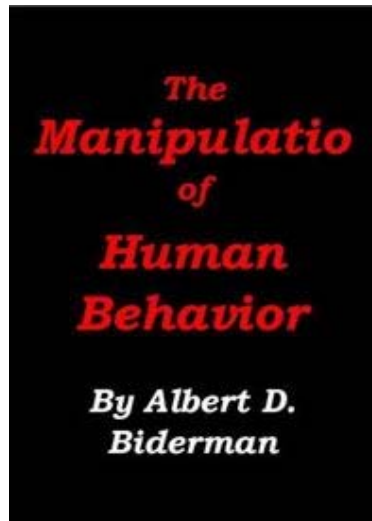
[Odnako \(Russie\)](#)

Documents joints

پرونده های ضمیمه به زبان انگلیسی



<http://www.voltairenet.org/IMG/pdf/bullnyacadmed00378-0046.pdf>



http://www.voltairenet.org/IMG/pdf/The_Manipulation_of_Human_Behaviour.pdf

The origins of aggressive interrogative techniques:
Part 5 of the Committee's inquiry into the treatment of detainees in U.S. custody

Index of Documents
(Notes: web links noted for documents not included in the packet)

- (Tab 1 - EXTRACTS) July 11, 2002 Memorandum from JPRM Chief of Staff for Office of the Secretary of Defense General Counsel, Subject: Exploitation.
- (Tab 2 - EXTRACTS) July 26, 2002 Memorandum from JPRM Chief of Staff for Office of the Secretary of Defense General Counsel, Subject: Exploitation and Physical Punishment.
 - (Tab 3 - EXTRACTS) July 15, 2002 document entitled "Physical Punishment and Restraints: Training and Against Detention Processes and Operations," attached to JPRM Memorandum of July 26, 2002.
 - (Tab 4) July 16, 2002 Memorandum from Chief of Psychology Services to the ODP Training Support Squadron, Subject: General Rights to JPRM Chief of Staff. Attached to JPRM Memorandum of July 26, 2002.
- (Tab 5) August 1, 2002 Department of Justice, Office of Legal Counsel, Memorandum for Alberto Gonzales, Re: Standards of Conduct for Investigation under 18 U.S.C. (2) Civil Rights. Available at <http://www.mailingreport.com/press/attorneys/departmentofjustice/DOJ080102.pdf>
- (Tab 6 - EXTRACTS) September 17, 2002 USDOJ/DOJ (Office of the Staff Judge Advocate) document entitled "The Report, Draft General Counsel Visit to GTMO."
- (Tab 7) October 26, 2002 oral testimony (JTF Personnel, Subject: FBI Counter Business Strategy Meeting Minutes (Minutes of an October 1, 2002 meeting at Guantanamo Bay, Cuba).
- (Tab 8) October 11, 2002 Memorandum from MIC Michael Dackert to Commander USDOJ/DOJ, Subject: Counter Business Strategy. Two attachments: (1) - FBI (1) Subject: Request for Approval of Counter Business Strategy and (2) - FBI (2) Subject: Legal Staff to Request Counter Business Strategy.
- (Tab 9) October 15, 2002 Transmitted Memorandum from USDOJ/DOJ (General 002) to Chairman, Joint Chiefs of Staff, Subject: Counter Business Strategy.
- (Tab 10) November 4, 2002 Memorandum from Headquarters U.S. Air Force to Joint Staff, Review of USDOJ/DOJ (GTMO) Request for Techniques.
- (Tab 11) November 4, 2002 Memorandum from Criminal Investigation Task Force (CITF) to Joint Staff, Review of USDOJ/DOJ (GTMO) Request for Techniques.
- (Tab 12) November 1, 2002 Memorandum from Headquarters, Department of the Army to Joint Staff, Review of USDOJ/DOJ (GTMO) Request for Techniques.

http://www.voltairenet.org/IMG/pdf/Guantanamo_Source.pdf

Cet article a été initialement publié dans l'édition de l'hebdomadaire russe [Odnako](#) datée du 19 octobre 2009.

(۱) اتحادیه ضد کمونیست جهانی، اتحاد بین المللی جنایت، نوشته تی یری میسان. شبکه ولتر ۱۲ مه ۲۰۰۴.

<http://www.voltairenet.org/article13873.html>

در گاهنامه هنر و مبارزه

[2] « [Opération Phénix](#) », par Arthur Lopic, Réseau Voltaire, 16 novembre 2004.

[3] Lire l'ouvrage de référence *Operación Cóndor, Pacto criminal* de notre collaboratrice l'historienne Stella Calloni. « [Stella Calloni presentó en Cuba su libro "Operación Cóndor, Pacto criminal"](#) », 16 février 2006. Voir également sur la Red Voltaire : « [Berríos y los turbios coletazos del Plan Cóndor](#) », por Gustavo González, 26 avril 2006. « [Los militares latinoamericanos no saben hacer otra cosa que espiar](#) », por Noelia Leiva, 1er avril 2008. « [El Plan Cóndor universitario](#) », par Martin Almada, 11 mars 2008.

- [4] « [Opération "Marteau de fer"](#) », par Paul Labarique, *Réseau Voltaire*, 11 septembre 2003.
- [5] *The Arab Mind*, par Raphael Patai, préface de Norvell B. De Atkine, Hatherleigh Press, 2002.
- [6] *American vertigo*, par Bernard-Henry Lévy, Grasset & Fasquelle 2006.

منبع:

(١)

<http://www.afgazad.com/Hoghogh-Bashar/112514-T-HM-Che-Kasaany-Wa-Che-Gona-Jahaad.pdf>

<http://www.voltairenet.org/article162377.html>

گاهنامه هنر و مبارزه

۰۴ دسمبر ۲۰۱۴

۱۲ آذر [قوس] ۱۳۹۳

<http://www.voltairenet.org/article185994.html>

Les USA, Empire de la barbarie

Le secret de Guantánamo